

آنان که می خواهند که با بهره برداری از بحران جنگ عراق جامعه ما را در تنگنای شدید تری قرار دهند ...

کشورهای منطقه، بعثت و وحشتی که او در منطقه ایجاد کرده بود، برای خرید جنگ افزار در یک مسابقه تسلیحاتی هزینه شود و در نتیجه کشورهای منطقه از پیشرفت و توسعه باز بمانند. بهانه وجود رژیم صدام عاملی بود تا حاکمیت های کشورهای نفت خیز خاورمیانه، از کوچک و بزرگ، شیوه حکومت دیکتاتوری و سلطه یک اقلیت کوچک را بر ملت هایشان تحمیل کنند و حقوق شهروندی و حق تعیین سرنوشت مردم خود نادیده بگیرند و جو خفقان را در سرزمین های خود حاکم نمایند.

با چنین کارنامه ای، بدیهی است که هیچ فرد و گروهی بخود اجازه نمی دهد برای صدام و دستیارانش دل بسوزاند. واکنش افکار عمومی جهان در برابر حمله به عراق نه برای حمایت و حفظ رژیم سیاسی صدام بلکه بخاطر مردم زیر ستم عراق است که در آرایش نیروهای دفاعی عراق، صدام برای کمی طولانی تر کردن بقای خود، از ملت عراق به عنوان سپر انسانی استفاده می کند تا پایان جنگ به قیمت جان مردم به درازا بکشاند.

در جریان جنگ عراق، بار دیگر شاهد عملکرد یکسویه رسانه های تبلیغاتی ایران، بویژه رادیو و تلویزیون می باشیم که اخبار را انگار از دهان رژیم صدام حسین پخش می کنند و در عمده تحلیل هایشان نشانی از طرح منافع ملی ایران و چگونگی پاسداری از آنها دیده نشده است. در حالیکه می بینیم ترکیه چگونه به چانه زنی می پردازد و چگونه می کوشد تا برای کسب منافع ملی نیروهایش را روانه عراق سازد و کرکوک و موصل را تصرف کند. حتی یک بار هم شاهد آن نبوده ایم که از این رسانه های ما هشدار داده شود که اگر پای یک سریاز ترکیه به عراق برسد، ایران نیز برای دفاع از باشندگان کرد باید به حمایت موثر و فوری دست بزند. ترکیه هوشمندانه از بحران استفاده کرده و تا اینجا دستکم بدون هیچ خسارتی صاحب یک میلیارد دلار کمک مالی و تضمین مشارکت در بازسازی فردای عراق شده است. این بدان معنی است که در ساختار حکومت پس از صدام، ترکیه به عنوان یک قدرت حضور خواهد داشت که در تحکیم موقعیت او در منطقه بسیار موثر خواهد بود. ولی ما چه کرده ایم و به کجا می رویم؟ جز آنکه حاکمیت، بر خلاف منافع ملی، حتی پیگیری موضوع مهم گرفتن غرامت جنگی از عراق را نادیده انگاشته و از پیگیری آن در سازمان ملل کوتاهی کرده است. موضوعی که جا داشت، با توجه به شرایط موجود، بشدت مورد تعقیب قرار گیرد.

ولی در کشور ما امروز فقط سخن این است که امکان دارد، با توجه به اوضاع آینده عراق، حاکمیت شرایط بسیار بسته تر امنیتی را بر جامعه حاکم سازد، و برخی براین باورند که کشور در راستای انسداد سیاسی کامل پیش برده خواهد شد. ما معتقدیم که شرایط امروز جهان و بویژه بحران شدید "وبی نظیر" منطقه ظرفیت آنرا ندارد که، با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در میان دو جبهه نبرد در خاور و باختر کشور (افغانستان و عراق)، و نیز واقع بودن بین دو منطقه بسیار مهم انرژی جهان در شمال و جنوب کشور، -حاکمیت بتواند همچنان به بحران آفرینی ها ادامه دهد و کشور را برای تثبیت موقعیت خود در کام آتش فروبرد.

جبهه ملی ایران بر این باور است که زمان برای استقرار هر چه سریعتر یک ساختار سیاسی متکی بر خواست ملت، جامعه ای بر کنار از سلطه گری و با تاکید بر حقوق شهروندی و پاسداشت آزادی فرا رسیده و جا دارد تا با تغییرات بنیادین بوسیله مراجعه به رای ملت، حاکمیت ملی در ایران استقرار یابد، باشد که توطئه های برون مرزی که چندین سال است برای لطمه زدن به یکپارچگی جغرافیایی، همبستگی ملی و استقلال ایران، که زیر لوای تجزیه ملت یکپارچه ایران به ملت ها و خلق های مختلف (!) در جریان است، در هم شکسته شود و همه باشندگان این سرزمین آهورایی با آیین ها و زبانها و گویش های مختلف چون هزاران سال گذشته، در کنار هم و در پیوند با میراث فرهنگ توانای این سرزمین، از کیان و سربلندی میهن خویش پاسداری کنند و در راه توسعه و پیشرفت کنند و جایگاه شایسته خود را در نظام جهانی باز یابند. ما باید اهمیت تکیه بر پدیده دولت-ملت را که در طی هزاران سال از آن برخوردار بوده ایم به مردم افغانستان و عراق نشان بدهیم، تا هر دو سرزمین از فاجعه تکه تکه شدن به بهانه حفظ "هویت قومی" دور بمانند و به بیگانگان فرصت آنرا ندهند استقلال کشور هایشان و همبستگی ملت هایشان را باز بچه مطامع خود سازند و آنها را به ویرانه های امروز تبدیل کنند.

حزب ایران
تاریخ: ۸/۲/۸۰

بنام خداوند جان و خرد

پیام به هم میهنان عزیز و هشدار به زمامداران

تاسیس اردیبهشت ۱۳۳۳

پس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، نزدیک به ربع قرن است که دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران خود را پرچمدار مخالفت با امریکا نشان داده است. چنین سیاستی در بادی امر با توجه به سابقه عملکرد دولت امریکا در کودتای انگلیسی آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق، قهرمان مبارزه ضد استعمار، و همچنین پشتیبانی بیدریغ و همه جانبه امریکا از دولت نژاد پرست، متجاوز و صهیونیست اسرائیل در مقابله با ملت مظلوم فلسطین و کشتار مسلمانان بی پناه طبیعی می نمود.

در آن تاریخ، با وجود ابر قدرت شوروی در شمال ایران، امریکا بخود اجازه نمی داد تا یک جانبه عمل نموده و یا از قدرت نظامی استفاده نماید. با فروپاشی شوروی و گرفتار شدن دولت روسیه در مشکلات و اوضاع سیاسی داخل کشور خود، نفوذ سیاسی دولت امریکا در خاور میانه و ایران با وجود تکیه گاه و سرپلی مانند کشور اسرائیل افزایش یافت، بگونه ای که در عکس العمل به روش دولت وقت ایران انواع مضایق سیاسی و تحریمهای اقتصادی از طرف دولت امریکا و هم فکرائش درباره ایران اعمال گردید تا آنجا که در یورش ناجوانمردانه و بی دلیل سال ۱۹۸۰ صدام حسین رئیس جمهور عراق به ایران که از مدتها نقشه تسخیر خوزستان را در سر پروراند، نه تنها اعتراض ننمودند بلکه، باستناد مدارک منتشر شده، با دادن انواع سلاحهای ممنوع و مخرب مانند سلاحهای شیمیایی به عراق، صدام حسین را در جنگ با ایران تشویق و تقویت کردند.

بر آگاهان سیاسی و تحلیلگران بحرانهای جهانی مسلم بود که تجاوزات بی در پی و سلطه گری شورانه صدام حسین روزی بهترین فرصت را برای قدرتمندان جهان فراهم خواهد ساخت تا به بهانه امحای سلاحهای کشتار جمعی و سرکوب تروریسم و دیکتاتوری، ولی در حقیقت به منظور تحکیم و استقرار استراتژی جهانی و طولیل المدت خود به جهانیان اعلام نمایند که با لشکر کشی عظیم به عراق میخواهند ملتی را از زیر ستم و خشونت چندین ساله حاکمی متجاوز و دشمن بشر رهایی بخشند.

هر چند دولت امریکا ماهها پس از صدور قطعنامه ۱۴۴۱ در اعزام و ماموریت هیات بازرسان سازمان ملل به عراق به منظور بررسی وجود سلاحهای کشتار جمعی و شیمیایی و امحای آن و با احتمال یقین از وجود آنها فرصت اتمام ماموریت بازرسان را نداد و منتظر کسب مجوز از شورای امنیت نماند و سرانجام و متأسفانه با حمله نظامی آتش جنگ و حشمتناکی را همراه با همکار دیرین خود انگلستان برافروخت که لهیب آن در همسایگی دیوار به دیوار ما شعله ور شده و در حال گسترش است، و حضور نیروهای خود را در خلیج فارس و حول و حوش مرز های ما متمرکز کرده اند.

تهدیدات و خط و نشان کشیدن های مکرر امریکا ما را نگران نموده و به انتشار این هشدار به رئیس جمهوری و زمامداران و حاکمیت کشور وادار می نماید تا به منظور حفظ تمامیت کشور:

۱- به حکم عقل و ضرورت و قبل از آنکه رفتار عت شکنی ایجاد شود، نباید با یادآوری کینه های دیرین، که در تدبیر سیاسی محلی ندارد، عنان سرنوشت را بدست امواج احساسات عمومی سپرد. باید در سیاست امریکا ستیزی تامل نمود و از تبلیغ و شعاری که مقدسات ملت امریکا را جریحه دار سازد خودداری کرد تا بهانه ای به دست جنگ افروزان داده نشود و کشور در معرض خطر قرار نگیرد.

۲- در هم آوایی و مظلوم نمایی حکومت بعث عراق و صدام حسین نباید آثار شوم و زهر آلود هشت سال جنگ ناخواسته را که در آن حدود یک میلیون جوان ایرانی به فجع ترین وضع جان خود را از دست دادند، که هنوز آثار شوم آن باقی است، و حدود یک میلیون معلول جنگی بر جای گذاشته و دیناری از غرامات ما را نپرداخته است، به دست فراموشی سپرده شود.

۳- امروز بیش از هر وقت، با شرایط دشواری که پیش روی ماست، اقتضا دارد حاکمیت ایران مضایق و محدودیت های مطبوعات و احزاب ملی ریشه دار، از جمله حزب ایران را که سابقه مبارزات ملی ۵۸ ساله دارد و خدمات موثری در ملی کردن صنعت نفت، برچیدن بساط بانک شاهی، ملی کردن شیلات شمال، تعدیل سهم زارع و مالک و بسیاری موارد دیگر دارد، برطرف نماید و اجازه فعالیت علنی و تاسیس باشگاه و انتشار روزنامه داده شود، تا مردم هوشمند و بیدار دل ایران در چنین شرایط بحرانی با رایزنی به انجام وظایف ملی خود بپردازند.

جاوید باد ایران

شورای مرکزی حزب ایران